

بإجراء قانون التطور الكوني العام على الحياة الأرضية :

جارى بـودنِ قانونِ عامِّ تكاملِ هستى در حیاتِ زمينى :

فعلى مستوى الكون ككل، نجد - بحسب نظرية الانفجار العظيم - أن الكون بدأ من صورة بسيطة جداً ثم أخذ بالتكثُر والتعقيد فتكونت هذه الكميات الهائلة من المادة والنجوم والكواكب والمجرات من مفردة أو نقطة تفرد، وسيأتي تفصيل هذا النشوء إن شاء الله ونرى بحسب الرصد الفلكي للكون وبإجراء قانون ظاهرة دوبلر على نتائج الرصد أن الكون يتوسع وأن المجرات تتسارع متباعدة، إضافة إلى تكوّن كواكب ونجوم ومجرات جديدة باستمرار فالكون إذن يتكثُر ويزداد ويتوسع وبتسارع باستمرار في هذا الوقت ومن قبل، وبالنسبة للحياة الأرضية فيما أنها جزء من هذا الكون فلا مانع أن يحكمها نفس قانون التطور الكوني التدريجي فتكون البداية بسيطة جداً ومن ثم نشأ التكثر والتعقيد من هذه البداية البسيطة، وهذا إضافة إلى أنه موافق للعلم فهو أيضاً موافق للعقيدة الدينية الصحيحة في الخلق وموافق لسنة الله التي لا تتبدل ولا تتغير؛ حيث إن السماوات السبع والوجود الممكن أو المخلوق عموماً بدأ بصادر أول بسيط ثم نشأ بعده التكثر والتعقيد، فمثلاً: نحن كلما تحركنا بعيداً (بعداً معرفياً) عن مصدر الوجود سنجد أن الموجودات تتكثُر وتتعدّد ويزيد التنافى بين الموجودات، فالسماوات السادسة أعقد وفيها تكثر أكثر من السماء السابعة والخامسة أكثر من السادسة وهكذا، وأيضاً لو درسنا وضع السماء الجسمانية على حدة نجدها بحسب نظرية الانفجار الكبير بدأت بصورة بسيطة واتجهت نحو التعقيد والتكثر، فما المانع أن تكون الحياة الأرضية محكومة بنفس

القانون الكوني أو يمكن أن نسميه السنة الإلهية التي لا تتبدل، بل إن مقتضى عدم تبدل السنة يقول إنها لا بد أن تكون كذلك، وبهذا تكون بدايتها بسيطة ومن ثم نشأ التكثر والتعقيد من تلك البداية البسيطة كما هي سنة الله في السماوات السبع وكما هي سنة الله في السماء الجسمانية.

در سطح کیهان به عنوان یک کُل، ملاحظه می‌کنیم که - طبق نظریه انفجار بزرگ - هستی از شکل بسیار ساده‌ای آغاز شد، سپس با طی کردن مسیر ازدیاد و پیچیدگی، این مواد انبوه و ستارگان و سیارات و کهکشان‌ها از یک نقطه آغازین یا از یک تکینگی پدید آمد. به خواست خدا در قسمت های آتی این آفرینش را تشریح خواهیم کرد و خواهیم دید که طبق شواهد به دست آمده از رصد ستارگان و با پیاده‌سازی قانون اثر دوپلر بر این نتایج، هستی در حال انبساط است و کهکشان‌ها نیز با شتاب در حال فاصله گرفتن از یکدیگر می‌باشند. علاوه بر این، به طور پیوسته ستارگان، سیارات و کهکشان‌های جدیدی ایجاد می‌شود. بنابراین هستی در حال فزونی، ازدیاد و انبساط است و این فرآیند شتابان، به گونه‌ای مستمر، هم در گذشته و هم در زمان حال صورت گرفته و می‌گیرد. زندگی زمینی، بخشی از این هستی بشمار می‌رود و از همین‌رو، مانعی وجود ندارد که تکامل گام‌به‌گام کیهانی نیز بر آن حکم‌فرما باشد؛ به این صورت که از نقطه شروعی بسیار ساده آغاز گشته و به تدریج به سمت کثرت و پیچیدگی سوق یافته باشد. این سخن علاوه بر اینکه با دانش امروزی سازگار است، با عقیده درست دینی در موضوع آفرینش و نیز با سنت خدا که تبدیل و تغییری در آن راه ندارد، همخوان می‌باشد؛ چرا که آسمان‌های هفت‌گانه و وجود ممکن یا عموم مخلوقات از منتشر کننده اولیه ساده‌ای بوجود آمده و پس از آن افزوده و پیچیده گشته است. مثلاً ما هر چه از مبدأ وجود - از منظر شناختی - دور شویم، می‌بینیم که موجودات

کثرت می‌یابند و پیچیده می‌گردند و تفاوت بین موجودات نیز بیشتر می‌شود. آسمان ششم در قیاس با آسمان هفتم پیچیده‌تر و دارای کثرت بیشتری است؛ همین‌طور آسمان پنجم در مقایسه با آسمان ششم و به همین صورت. اگر وضعیت آسمان جسمانی (آسمان فیزیکی یا دنیوی) را نیز به‌طور جداگانه بررسی کنیم، در می‌یابیم که طبق نظریه انفجار بزرگ، از صورتی ساده آغاز شده و سپس به سمت کثرت و پیچیدگی حرکت کرده است. پس چه مانعی وجود دارد که همین قانون هستی (که می‌توان آن را سنت الهی تغییرناپذیر نامید) بر زندگی زمینی نیز حاکم باشد و حتی به مقتضای تبدیل‌ناپذیر بودن این سنت باید گفت که حتماً و قطعاً زندگی زمینی همین‌گونه تکوین یافته است؛ بنابراین آغاز آن بسیار ساده بوده، پس از آن شروع ساده، به سمت کثرت و پیچیدگی روی آورده است؛ همان‌طور که این، سنت خدا در آسمان‌های هفت‌گانه و سنت خدا در آسمان جسمانی (فیزیکی) می‌باشد.

أما ادعاء بعضهم أنَّ الكون الجسماني متجه نحو الانهيار والاندثار وبالتالي فالحياة الأرضية لا بد أن تكون كذلك لأنها تخضع لنفس القوانين الكونية وبهذا يعتقدون أنهم قد أبطلوا قانون التطور أو نظرية التطور، فهذا غير صحيح، وهذا حقيقة إشكال ساذج فحتى لو فرضنا أن الكون الآن متجه نحو الانهيار - مع أنه في مرحلة الشباب - فهذا لا يعني أن بدايته معقدة ومتكثرة، بل ثبت علمياً أن بداية الكون بسيطة وحصل الانفجار العظيم ومن ثم حصل التكثر والتعقيد بالتدرج، وبهذا فلا يضر بصحة نظرية التطور حتى فرض أن الحياة الأرضية سائرة في النهاية إلى الانهيار والاندثار؛ لأن سيرها نحو الانهيار في فترة زمنية متأخرة مثلاً لا يعني أن بدايتها متكثرة ومعقدة بحال،

فيمكن أن تكون البداية بسيطة جداً بخلية مثلاً وحصل تكثر وتعقيد وحياة متنوعة ثم يتجه هذا التكثر والتعقيد نحو الانهيار والاندثار كمثل ما يحصل مع الإنسان في حياته التي تبدأ من خلية بسيطة في رحم الأم ثم تتكثر وتتعدد وينمو ويكبر ويصل للشباب ومن ثم يتجه نحو الانهيار والاندثار فيضعف وأخيراً يموت، وقد ناقشنا هذا الطرح بتفصيل أكثر في الفصل الأول.

ادعای برخی که می‌گویند جهان فیزیکی (جسمانی) به سمت ازهم‌پاشیدگی و بی‌نظمی در حرکت است و از همین رو، زندگی زمینی هم که از همین قوانین کیهانی تبعیت می‌کند، باید بر این منوال باشد، و چنین می‌پندارند که به این ترتیب قانون تکامل یا نظریه تکامل را باطل نموده‌اند، درست نیست. این اشکال حقیقتاً ساده و پیش‌پاافتاده است؛ زیرا حتی اگر ما فرض بگیریم که در حال حاضر هستی به سمت ازهم‌پاشیدن حرکت می‌کند (با وجود اینکه جهان در مرحله جوانی خود قرار دارد) به آن معنا نیست که آغاز آن پیچیده و گوناگون بوده، بلکه به لحاظ علمی ثابت شده که شروع هستی ساده بوده و از انفجار بزرگ پدیدار شده، سپس به تدریج پیچیده گشته است. از همین رو، این مطلب خللی به صحت نظریه تکامل وارد نمی‌آورد؛ چرا که حتی اگر فرض شود حیات زمینی در پایان به از هم‌پاشیدگی و بی‌نظمی برسد - زیرا که فرجام حرکت آن به سمت از هم‌پاشیدگی است - به معنای این نیست که آغازش پیچیده و گوناگون بوده است. ممکن است در ابتدا بسیار ساده بوده، مثلاً از یک سلول پدید آمده باشد ولی سپس فراوانی، پیچیدگی و زندگی‌های گوناگون به دست آمده باشد. سپس این کثرت و پیچیدگی به سمت انقراض و نابودی حرکت کند. در انسان نیز همین گونه است: در ابتدا، حیاتش از یک سلول ساده در رحم مادر شروع می‌شود، سپس تکثیر یافته، پیچیده می‌شود، رشد می‌کند، بزرگ می‌شود، به مرحله جوانی می‌رسد و پس از آن رو به انحلال رفته،

نحیف می‌شود و سرانجام می‌میرد. در فصل اول این موضوع را به تفصیل
بیشتر بیان نمودیم.
